



زگهواره تاشهدات دانش بجوی!

◀ نسرین بیژنی

اشاره

در اهمیت کسب دانش همین بس که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «دلی که در آن چیزی از حکمت نباشد، مانند مخروبه‌ای است. پس دانش بیاموزید و بیاموزانید و فهمیدگی به دست آورید و نادان نمیرید؛ زیرا خداوند متعال عذر نادانی را نمی‌پذیرد.» (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ج ۸: ۷، ح ۱۳۷۴۹).

پیشوایان ما همواره آموختن دانش‌های متفاوت را به پیروانشان سفارش می‌کردند و با اینکه خود منبع و صاحب همه علوم گذشته و عصر خویش و علوم آینده بودند، اوقاتی را به مطالعه اختصاص می‌دادند.

مسلح شدن به سلاح دانش و معرفت، سپری است در مقابل بلاها و آفت‌های فردی و اجتماعی. انسان صاحب علم و تحصیل کرده خوب و بد را تشخیص می‌دهد و برای انتخاب راه درست در مراحل و جنبه‌های مختلف زندگی، عاقلانه‌تر تصمیم می‌گیرد. همچنان‌که حضرت علی (ع) فرمود: «الْعَلْمُ أَفْضَلُ هِدَايَةٍ»: دانش برترین هدایتگر است. (همان، ص ۸، ح ۱۳۷۶۳).

با کاوش در زندگی شهدا درمی‌یابیم، آن‌ها برای اینکه فرد مفید و مؤثرتری برای جامعه خود باشند، مطالعه کتاب‌های گوناگون را در زمره برنامه‌های اصلی زندگی خود قرار داده بودند. سخنان شهیدان در جمع هم‌زمانشان، بیانگر این واقعیت است که آن‌ها، ضمن شنیدن سخنرانی‌های دینی و مذهبی، در زمینه قرآن و تفاسیر هم مطالعه دقیق و مدبرانه‌ای داشته‌اند.

شهید علی اکبر رحمانیان

«قبل از عملیات بدر، لشکر المهدی در اردوگاه شوش مستقر بود. بچه‌ها به سفارش شهید علی اکبر، بعد از نماز صبح مطالعه می‌کردند تا زمانی که بچه‌های تدارکات بساط صبحانه را برپا کنند. بعد از صرف صبحانه هم، حاجی خودش کتاب را باز می‌کرد و بچه‌ها هم کم‌کم به جمع اضافه می‌شدند و ظرف چند دقیقه، همه نیروهای طرح و عملیات که حدود ۱۰ نفری می‌شدند، کتاب به دست بودند.

حاج علی اکبر، برای اینکه مطالعات نیروها نظم خاصی هم داشته باشد، آمده بود برای هر موضوعی، زمان خاصی را معلوم کرده بود که بچه‌ها در

مدت زمان تعیین‌شده، به مطالعه کتاب‌هایی در آن موضوع بپردازند. آن موقع که در شوش مستقر بودیم، یادم هست که سیر کتاب‌های تاریخی را شروع کرده بودیم و به سفارش حاجی مشغول خواندن کتاب «تیمور لنگ» بودیم. (آبیار، ۱۳۸۷: ۲۳).

ایامی که لشکر در خرمشهر بود، یک روز رفته در محل سنگر «طرح و عملیات» تا شهید مطهرنیا و شهید حاج علی اکبر را زیارت کنم. وارد سنگر که شدم، دیدم دوتایی نشسته‌اند کنار هم و دارند کتاب مطالعه می‌کنند؛ ساکت و آرام مثل کسی که در ایام امتحانات به سر می‌برد. آن طرف سنگر هم راننده و چند نفر دیگر مشغول مطالعه بودند. طوری کتاب می‌خواندند که متوجه آمدن من نشدند. سرفه‌ای کردم و گفتم: «مگر با هم قهر هستید! این دیگر چه وضعی است که راه انداخته‌اند!» قبلاً از بچه‌های لشکر، اوصاف حاجی را شنیده بودم که چقدر برای وقت خود ارزش قائل است و همیشه کتاب به دست است. رفتم و پیش علی اکبر نشستم. دیدم دارد کتاب شهید مطهری را می‌خواند. خوب که دقت کردم، متوجه شدم بر حاشیه کتاب هم نکاتی یادداشت کرده است. علتش را که پرسیدم، گفت: «من بعد از خواندن یکی دو صفحه، نکات آن را می‌نویسم تا بتوانم راحت‌تر برای نیروها بگویم و خودم هم بیشتر استفاده کنم» (همان، ص ۲۴).

شهید علی صیاد شیرازی

سردار دربندی، از هم‌زمان شهید می‌گوید:

«در سال ۱۳۵۲، ایشان را برای [گذراندن] دوره تخصصی «هواسنجی بالستیک» به آمریکا می‌فرستند. در آنجا علاوه بر دانشجویان خارجی که از کشورهای دیگر حضور داشتند، دانشجویان آمریکایی هم تحصیل می‌کردند. طبیعتاً درس‌ها و آموزش‌ها همگی به زبان انگلیسی بود. در پایان دوره، وقتی که ارزیابی کردند و نمره‌ها را دادند و می‌خواستند مراسم فارغ‌التحصیلی را برگزار کنند، همه استادان آمریکایی به این نتیجه رسیده بودند که حتماً از بین آمریکایی‌ها، دانشجویی ممتاز را انتخاب کنند؛ چون انتقال مفاهیم برای آن‌ها آسان‌تر بود و کتاب‌های انگلیسی را نیز بهتر مطالعه کرده بودند. اما در نهایت تعجب می‌بینند که نمره‌های علی صیاد شیرازی از همه دانشجویان بالاتر است. [از این‌رو] نام ایشان به‌عنوان دانشجوی برتر در مراسم فارغ‌التحصیلی اعلام می‌شود» (انبارداران، ۱۳۸۶: ۴۱).

منابع

۱. محمدری شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان‌الحکمه. انتشارات دارالحدیث.
۲. آبیار، رضا (۱۳۸۷). دوقلوهای جنگ: روایت سرداران شهید خلیل مطهرنیا، حاج علی اکبر رحمانیان. انتشارات پیمان غدیر. تهران. چاپ اول.
۳. انبارداران، حسین (۱۳۸۶). امیر دلاور. نشر شاهد. تهران.